



ارتداد و آزادی دینی

مؤلف: دکتر اکرم رضا

ترجمہ:

مولوی افضل دہمردن زاد

کتاب فروشے طیبین

[www.Tayyebin.Net](http://www.Tayyebin.Net)

۰۹۳۸۴۶۴۶۶۱۹

## فهرست کتاب

- مقدمه مصنف..... ۶
- فصل اول: موضوع ارتداد در قرآن کریم..... ۹
- حالت ارتداد در زمان پیامبر ﷺ..... ۱۳
- حکم قرآن در رابطه و تعامل با منافقین..... ۲۵
- ۱- آیه‌های سوره توبه:..... ۲۵
- ۲- آیات سوره احزاب:..... ۳۱
- حکم کشتن منافقین:..... ۳۲
- خلاصه بیان حد ارتداد در قرآن و سؤالاتی پیرامون این بحث..... ۴۵
- فصل دوم: ارتداد و مجازات آن در سنت نبوی..... ۴۸
- عکرمه ﷺ غلام ابن عبس:..... ۵۲
- بحث اول: در مورد توثیق عکرمه ﷺ:..... ۵۴
- بحث دوم: در مورد طعنه‌هایی که در مورد عکرمه بیان شده:..... ۵۷
- بحث سوم: رد طعن‌های وارد شده و بازگشت به توثیق و مورد اعتماد بودن عکرمه ﷺ..... ۵۸
- بحث چهارم: در مورد وفات عکرمه و آنچه در این باره گفته شده:..... ۶۰
- بحث پنجم: رد طعنه‌های وارد شده بر عکرمه ﷺ از سوی ابن حجر:..... ۶۱
- محمد بن فضل سدوسی:..... ۶۳
- معنای مَنْ بَدَّلَ دِينَهُ:..... ۶۵
- حدیث مذکور به روایت معاذ ﷺ:..... ۶۶
- الف- روایات بخاری:..... ۶۶
- ب- روایت مسلم:..... ۶۸

- ج- روایت نسائی: ..... ۶۸
- د- روایت ابو داود: ..... ۶۸
- ه- روایت احمد بن حنبل: ..... ۶۹
- ۱- روایات عبدالله ابن مسعود رضی الله عنه: ..... ۷۰
- ۲- روایات عثمان بن عفان رضی الله عنه: ..... ۷۲
- ۳- روایات ام المؤمنین عایشه رضی الله عنها: ..... ۷۴
- حاشیه بر حدیث: لَا يَجِلُّ دَمُ امْرَأٍ ..... ۷۹
- شکل ارتداد در زمان ابوبکر رضی الله عنه: ..... ۸۰
- ارتداد در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله: ..... ۸۰
- فصل سوم: ارتداد در فقه و قانون اسلامی ..... ۱۰۰
- مبحث اول: جنایات و مجازات در فقه اسلامی ..... ۱۰۰
- مجازات‌ها و اصول پنج‌گانه ..... ۱۰۲
- مبحث دوم: بیان حدود و جایگاه مجازات ارتداد در این میان ..... ۱۰۳
- بکارگیری قرآن از لفظ «حدود» ..... ۱۰۴
- بکارگیری سنت از لفظ حدود ..... ۱۰۶
- مبحث سوم: ارتداد چیست؟ ..... ۱۱۳
- تعریف ارتداد در فقه معاصر: ..... ۱۲۶
- مبحث چهارم: دلایل فقها برای اثبات قتل مرتد ..... ۱۳۰
- دلیل اول: کتاب خدا ..... ۱۳۰
- دلیل دوم: سنت پیامبر صلی الله علیه و آله: ..... ۱۳۰
- دلیل سوم: اجماع ..... ۱۴۱
- مبحث پنجم: مسائل فقهی و قانونی متعلق به مجازات ارتداد ..... ۱۴۳
- مسئله اول: ارکان ارتداد ..... ۱۴۳

- ۱۴۴..... رکن دوم برگشت از اسلام
- ۱۴۸..... رکن سوم تصمیم جنایت
- ۱۴۹..... تصمیم به جنایت در فقه معاصر
- ۱۵۲..... مسئله دوم: مجازات مرتد
- ۱۵۳..... مسئله سوم: درخواست توبه از مرتد
- ۱۵۷..... برگشت به نظریه امام شافعی
- ۱۵۸..... دلایل وجوب و استحباب درخواست توبه
- ۱۵۹..... زمان مهلت برای توبه
- ۱۶۰..... درخواست توبه از زندیق
- ۱۶۳..... توبه زندیق
- ۱۶۴..... حالات مرتد
- ۱۶۶..... مسئله چهارم: اختلاف در کشتن زن
- ۱۶۷..... مسئله پنجم: اثبات ارتداد
- ۱۶۹..... تأثیر ارتداد بر ازدواج
- ۱۷۰..... فصل چهارم ارتداد در فقه اسلامی معاصر
- ۱۷۲..... آزادی از منظر اسلام:
- ۱۷۱..... حد ارتداد و آزادی
- ۱۷۲..... ارتداد در قانون
- ۱۷۳..... ارتداد و عدم وجود قانون
- ۱۷۴..... فقه معاصر
- ۱۸۲..... خاتمه: حد ارتداد حکم ثابتی است
- ۱۸۵..... فهرست منابع

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

### مقدمه مصنف

الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على المبعوث رحمه للعالمين، سيدنا و مولانا محمد ﷺ. **سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ**، [بقره ۳۲]، «منزهی تو، ما چیزی جز آنچه به ما آموخته‌ای نمی‌دانیم ( و توانائی جانشینی را در زمین و استعداد اشتغال به امور مادی را نداریم و معترفیم که آدم موجودی شایسته‌تر از ما است و) تو دانا و حکیمی»، **وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنَ سَّمَاءٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبْرٌ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَكْبٌ وَلَا يَكْبِتُ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ**، [انعام ۵۹]، «گنجینه‌های غیب و کلید آن‌ها در دست خدا است و کسی جز او از آن‌ها آگاه نیست . و خداوند از آنچه در خشکی و دریا است آگاه است . و هیچ برگی ( از گیاهی و درختی) فرو نمی‌افتد مگر این که از آن خبردار است . و هیچ دانهای در تاریکیهای ( درون) زمین، و هیچ چیز تر و یا خشکی نیست که فرو افتد، مگر این که (خدا) از آن آگاه، و در علم خدا پیدا است و) در لوح محفوظ ضبط و ثبت است .» گواهی می‌دهم که معبودی جز الله نیست و یگانه و بی‌شریک است و گواهی می‌دهم که سردارمان محمد مصطفی ﷺ بنده و فرستاده اوست چنان شهداتی که از خداوند متعال درخواست داریم تا به‌وسیله آن ما را از رستگاران دنیا و آخرت قرار دهد.

در مجمع بحث اسلامی که در قاهره برگزار شد که جزء هیئت‌های عالی علمی مصر به شمار می‌رود در رابطه با حدیث: **«مَنْ بَدَلَ دِينَهُ فَاقتُلُوهُ»**<sup>۱</sup>، «کسی که دین خودش را عوض کرد او را بکشید» اختلاف نظر پیش آمد که چگونه به مرتد توبه عرضه شود و آیا از مرتد به‌صورت همیشگی درخواست توبه شود یا برای مدت‌زمان مشخص و برای از بین بردن شعاع این اختلاف، در این بحث نصوصی که در رابطه با موضوع ارتداد وارد شده‌اند به خوانندگان عزیز تقدیم می‌شوند به‌گونه‌ای که اولاً نصوص قرآن کریم سپس سنت نبوی و سپس نصوص فقهی که از ائمه مذاهب اسلامی وارد شده‌اند عرضه می‌شوند به همین خاطر این بحث دارای چهار فصل و یک خاتمه می‌باشد.

فصل اول: ارتداد در نصوص قرآن کریم و شرح آن از ائمه فن تفسیر

فصل دوم: ارتداد در نصوص سنت نبوی و آنچه در شروح کتاب‌های حدیث در این رابطه وارد شده است.

فصل سوم: ارتداد در مذاهب فقهی از لابه‌لای بیانات ائمه بزرگوار

فصل چهارم: موضوع ارتداد در اندیشه اسلامی معاصر همراه با بحثی پیرامون چیزهای جدید و بیان ارتباط میان حد ارتداد و آزادی دینی که اسلام آن را تأیید می‌نماید.

خاتمه: شامل خلاصه آنچه مورد بحث قرار گرفته و پیشنهادهای پژوهشگر و نظریه او در رابطه با این موضوع.

بنده دوست دارم در آغاز این مطلب را بیان کنم که این بحث به روش گزینشی ارائه می‌شود چون هر آنچه در این موضوع وارد شده از اصول اسلام هستند و نمی‌خواهم بحث را با بیان اختلاف و جواب اعتراضات آغاز کنم تا بتوانم اختلاف را به صورت کامل بنویسیم و دایره‌اش را تنگ کنم و نصوصی که در این رابطه وارد شده‌اند و بیانشان و ارائه اقوال علما که خود به خود اساس اختلاف را بیان می‌کنند بعد به وسیله آن‌ها می‌توانیم همه را جمع کنیم و راه خروجی از آن‌ها بیابیم و نظریه هر گروهی نیز جواب داده می‌شود.

به همین خاطر در لابه‌لای بحث سؤالات و اعتراضاتی پیش می‌آید که با نص و دلیل مناسب جوابشان داده می‌شود. هنگامی که تمام آنچه در این موضوع از جمله نصوص قرآنی و سنت نبوی و اقوال فقها را جمع‌آوری نمودم این مطلب به ذهنم رسید تا سؤالاتی که در عصر حاضر در رابطه با موضوع ارتداد و آزادی دینی دامن‌گیر جهان اسلام شده است نیز جواب داده شوند، به همین جهت در فصل چهارم مباحثه‌ای آرام در این رابطه ارائه می‌شود و هر آنچه با این موضع مناسبت داشته باشد به فصل اول که نصوص قرآنی هستند و فصل دوم که سنت‌های نبوی هستند و فصل سوم که اقوال فقهی هستند حواله و تطبیق داده می‌شود.

سپس در آخر خلاصه بحث به صورت اجمالی بیان می‌شود و نظریه‌ای که پژوهشگر از نصوص به دست آورده ارائه می‌دهد و از خداوند متعال درخواست دارم که زحمات ما را قبول بفرماید و آنها را دارای اجر و پاداش قرار دهد باوجوداینکه به کوتاهی و ضعف و نادانی خود معترفم و از خداوند تعالی خواستارم که از جانب ما به اساتید و شیوخ ما جزای خیر عنایت فرماید.

اکرم رضا

مارس ۲۰۰۵/۰۳/۱۸ م

## فصل اول:

### موضوع ارتداد در قرآن کریم و سؤالات پیش آمده از نصوص قرآنی

#### صورت‌های موضوع ارتداد در قرآن کریم

موضوع ارتداد و رها کردن دین، در قرآن کریم به صورت‌های گوناگون و متعددی ذکر شده که در ذیل به شرح آن‌ها می‌پردازیم.

۱- بیان اینکه هدف اصلی دشمنی مشرکین و اهل کتاب با فرد مسلمان برگرداندن او از دین اسلام

است.

خداوند متعال چنین می‌فرماید: ﴿وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّوكُمْ مِّنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُنُزًا حَسَنًا مِّنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ مِّنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّ لَهُمُ الْحَقُّ فَأَعْتُوا وَأَصْفَحُوا حَتَّىٰ يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرٍ إِنَّ اللَّهَ عَنِ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾، [بقره ۱۰۹]، «بسیاری از اهل کتاب، از روی رشک و حسدی که در وجودشان ریشه دوانده است، آرزو دارند اگر بشود شما را بعد از پذیرش ایمان بازگردانند (به جانب کفر و به حال سابقی که داشتید!) با این که حقایقیت (اسلام و درستی راهی که برگزیده‌اید، از روی خود کتابهای آسمانی‌شان) برایشان کاملاً روشن گشته است. پس گذشت نمائید و چشم‌پوشی کنید تا خدا فرمان دهد (که در برابرشان چه کار کنید). بی‌گمان خداوند بر هر چیزی توانا است.» و در جایی دیگر چنین می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَطِيعُوا فِرْعَانَ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ يَرُدُّوكُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ كُفْرًا ﴿١٠٠﴾ وَكَيْفَ تَكْفُرُونَ وَأَنْتُمْ تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ آيَاتُ اللَّهِ وَفِيكُمْ رَسُولُهُ وَمَنْ يَعْتَصِم بِاللَّهِ فَقَدِ هُدِيَ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾، [آل عمران ۱۰۱]-  
۱۰۰، «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر از گروهی از کسانی که کتاب بدیشان داده شده است پیروی کنید، شما را پس از ایمان آوردنتان به کفر باز می‌گردانند و چگونه باید شما کافر شوید و حال آن که آیات خدا بر شما فرو خوانده می‌شود و پیغمبر او در میان شما است (و نور قرآن راه را تابان و رهنمودهای فرستاده خدا حقیقت را عیان می‌دارد!) و هر کس به خدا تمسک جوید، بیگمان به راه راست و درست (رستگاری) رهنمود شده است» در آیه سوره بقره خداوند متعال دستور به عفو و روی‌گردانی داد و در آیه سوره آل عمران دستور داد که مسلمانان به کتاب خدا و هدایت



رسولش چنگ بزنند و به خدا پناه ببرند تا خداوند متعال دستور دیگری را صادر بفرماید. امام طبری رحمته الله علیه می‌فرماید: بعد از آن خداوند متعال به پیامبر صلی الله علیه و آله و مسلمانان دستور جهاد با مشرکین را صادر کرد و چنین فرمود:

﴿ قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ ﴾، [توبه ۲۹]، «با کسانی از اهل کتاب که نه به خدا، و نه به روز جزا (چنان که شاید و باید) ایمان دارند، و نه چیزی را که خدا (در قرآن) و فرستاده‌اش (در سنت خود) تحریم کرده‌اند حرام می‌دانند، و نه آیین حق را می‌پذیرند، پیکار و کارزار کنید تا زمانی که (اسلام را گردن می‌نهند، و یا این که) خاضعانه به اندازه توانایی، جزیه را می‌پردازند (که یک نوع مالیات سرانه است و از اقلیت‌های مذهبی به خاطر معاف‌بودن از شرکت در جهاد، و تأمین امنیت جان و مال آنان گرفته می‌شود)».

۲- ایجاد ترس از ارتداد با توجه به تلاش‌های مشرکین و کفار در این راستا اگرچه با جنگ باشد و این موضوع در این فرموده خداوند وجود دارد: ﴿وَلَا يَزَالُونَ يُبَغِّضُونَكَ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ إِنِ امْتَسَلْتُمْ مَوْجِدًا مِّنْ يَّتَرَكُونَكُمْ عَنْ دِينِهِمْ فِيمَتٍ وَهُوَ كَارِهُ فَاُولَئِكَ حَمَلَتِ اَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴾، [بقره ۲۱۷]، «(مشرکان) پیوسته با شما خواهند جنگید تا اگر بتوانند شما را از آیینتان برگردانند، ولی کسی که از شما از آیین خود برگردد و در حال کفر بمیرد، چنین کسانی اعمالشان در دنیا و آخرت بر باد می‌رود، و ایشان یاران آتش (دوزخ) می‌باشند و در آن جاویدان می‌مانند» امام طبری رحمته الله علیه می‌فرماید: معنای این فرموده خداوند که ﴿وَمَنْ يَّتَرَكُوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ عَنْ دِينِهِمْ﴾ کسی که از دینش برگردد همان‌گونه که خداوند متعال فرموده:

﴿فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الْطَّارِقَ قَصَصًا﴾، [کهف ۶۴]، «که منظور از ﴿فَأَرْسَلْنَا﴾ این است که راه‌رفته را دوباره بازگشتند. به همین خاطر به کسی که حقش را از دیگری درخواست کند چنین می‌گویند: ﴿اِسْتَرَدَّ فُلَانٌ حَقَّهُ مِنْ فُلَانٍ﴾، «فلانی حق خود را از فلانی طلب برگشت نمود» معنای ﴿فِيمَتٍ وَهُوَ كَارِهُ﴾ این است که هرکس از دین اسلام برگردد و قبل از اینکه از کفرش توبه کند بمیرد، اعمال نیکشان

از بین می‌رود و ﴿ حَوَّلَتْ أَعْمَالَهُمْ ﴾ به این معناست که ثواب اعمالشان از بین می‌رود و پاداش در دنیا و آخرت بر آن اعمال مترتب نمی‌گردد و این فرموده خداوند: ﴿ وَأَزَلَّتْكَ أَعْيُنُكَ عَنْ النَّارِ هُمْ فِيهَا حَكِيمُونَ ﴾ به این معناست، آنان که از دینشان برگشتند و بر حالت کفر از دنیا رفتند اهل جهنم‌اند و همیشه در آن می‌مانند و خداوند ﷻ در این آیه آن‌ها را اهل جهنم قرار داد چون از جهنم خارج نمی‌شوند و ساکنان جهنم‌اند همان‌گونه که گفته می‌شود آن‌ها اهل فلان محله‌اند یعنی ساکنان آن محله‌اند. ﴿ هُمْ فِيهَا حَكِيمُونَ ﴾ یعنی همیشه در آنجا ماندگار هستند بدون قید زمان تا بی‌نهایت.<sup>۱</sup>

### ۳- بیان حال کسانی که در میان ایمان و کفر متردد هستند و بیان موضعشان در دنیا و آخرت.

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ أَرَادُوا كُفْرًا لَّيْسَ لَهُمْ اللَّهُ بِمَغْفِرٍ لَهُمْ وَلَا لِيَهُدِيَهُمْ سَبِيلًا ﴾ ،

[نساء ۱۳۷]، «بیگمان کسانی که ایمان می‌آورند و سپس کافر می‌شوند، و باز هم ایمان می‌آورند و دیگر بار کافر می‌شوند، و سپس بر کفر خود می‌افزایند ( و با کفر چشم از جهان می‌پوشند، واقعاً کارشان جای شگفت است و) هرگز خداوند ایشان را نمی‌بخشد و راهی ( به سوی بهشت) بدیشان نمی‌نماید» این آیه هشدار و تهدیدی است برای مسلمانان تا در دین ثابت‌قدم باشند.<sup>۲</sup> این کثیر می‌فرماید: خداوند در این آیه خبر داده هر کس داخل اسلام شود سپس برگردد دوباره ایمان آورد و بازگردد و به راه گمراهی ادامه دهد تا زمانی که بمیرد. پس توبه چنین شخصی بعد از مرگش مورد قبول نیست و خداوند وی را نمی‌بخشد و خداوند برای او راه خروج و گشایشی قرار نمی‌دهد و چنین شخصی راهی به سوی هدایت نمی‌بیند. به همین جهت خداوند ﷻ می‌فرماید:

﴿ لَّيْسَ لَكَ يَكْفِيكَ اللَّهُ يَغْفِرُ لَهُمْ وَلَا يَهْدِيَهُمْ سَبِيلًا ﴾ ، [نساء ۱۳۷]، ابن عباس رضی الله عنهما در تفسیر این آیه

﴿ ثُمَّ أَرَادُوا كُفْرًا ﴾ می‌فرماید: به کفرشان ادامه دهند تا این‌که بمیرند و قول مجاهد نیز این چنین

است.<sup>۳</sup> امام طبری رحمته الله تفسیر آیه را به سه صورت بیان فرموده:

۱- آن کسانی که به حضرت موسی علیه السلام ایمان آوردند و دوباره به آن کفر ورزیدند سپس نصاری به عیسی علیه السلام ایمان آوردند سپس بر آن کفر مردند سپس کفرشان را با حضرت محمد صلی الله علیه و آله زیاده کردند.

۲- منظور آیه منافقین هستند چون آن‌ها ایمان آوردند سپس مرتد شدند دوباره ایمان آوردند و بازهم مرتد شدند سپس با مرگشان در حالت کفر، کفرشان را زیادتر کردند.

۳- هر کس مانند منافقین عمل کند که ایمان آورد و دوباره مرتد شود و در نهایت بدون توبه بر حالت کفر بمیرد در حکم این آیه داخل است و طبری رحمته الله قول اول را ترجیح داده و می‌فرماید: چون قبل از این آیه داستان‌های اهل کتاب (تورات و انجیل) بیان شده و آیه قبل این است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ عَلَىٰ رَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي أَنزَلَ مِن قَبْلُ وَمَن

يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا﴾ ، [نساء ۱۳۶]، «ای کسانی که

ایمان آورده‌اید! به خدا و پیغمبرش (محمد) و کتابی که بر پیغمبر نازل کرده است (و قرآن نام دارد) و به کتابهایی که پیش‌تر (از قرآن) نازل نموده است (و هنوز تحریف و نسیان در آن‌ها صورت نگرفته است) ایمان بیاورید. هر کس که به خدا و فرشتگان و کتابهای خداوندی و پیغمبرانش و روز رستاخیز کافر شود (و یکی از اینها را نپذیرد) واقعاً در گمراهی دور و درازی افتاده است» و هیچ دلالتی وجود ندارد که معنای این آیه با آیه قبلی ربطی نداشته باشد با این وجود بهتر است به آیه قبل ملحق شود تا زمانی که دلیلی وجود داشته باشد مبنی بر اینکه به ماقبل ربطی ندارد.<sup>۱</sup>

ولی ابن کثیر رحمته الله می‌فرماید: آیه به معنای دوم یعنی منافقین دلالت دارد به همین خاطر این آیه را به آیه بعد ربط می‌دهد و می‌فرماید: خداوند در ادامه فرموده:

﴿بَشِيرٍ الْمُتَّقِينَ بِأَنَّهُمْ عَذَابَ آلِيمًا﴾ ، [نساء ۱۳۸]، «به منافقان مژده بده که عذاب دردناکی دارند» و

منافقین دارای این صفت بودند چون ایمان آوردند سپس کفر ورزیدند و خداوند بر قلب‌هایشان مهر زد.<sup>۲</sup>

سید قطب رحمته الله علیه نیز با ابن کثیر رحمته الله علیه هم نظر است و منظور آیه را بر منافقین حمل می کند و چنین می فرماید: ادامه آیه تقاضا می کند که بر منافقین حمل شود چراکه آغاز آیه حالتی از حالات منافقین را بیان می کند و موضع گیری بعضی از منافقین را بیان می کند.<sup>۱</sup>

### عذاب دردناک

به هر حال آیه به صورت قاطع دلالت دارد بر اینکه اعمال شخص مرتد مردود اعلام می شود و همیشه در آتش قرار می گیرد و عقل آدمی نیز برای مرتد در روز قیامت در محضر الهی چنین مجازاتی را جایز می داند اما در مورد عذاب دنیوی آن ها آیه مطلبی را ذکر نکرده مگر به صورت اشاره که ممکن است این عذاب به صورت تنگی رزق، ابتلا به بیماری یا به صورت کشته شدن به دست مسلمانان صورت می گیرد. در این رابطه آیه مقدار و نوع عذاب را ذکر نفرموده.

### حالت ارتداد در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

در حدیث صحیح، داستان عجیبی از حالت ارتداد و معامله الهی با چنین شخصی در هنگام مرگ وارد شده است. «عَنْ أَنَسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: كَانَ رَجُلٌ نَصْرَانِيًّا فَاسْلَمَ، وَقَرَأَ الْبَقْرَةَ وَآلَ عِمْرَانَ، فَكَانَ يَكْتُبُ لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَعَادَ نَصْرَانِيًّا، فَكَانَ يَقُولُ: مَا يَدْرِي مُحَمَّدٌ إِلَّا مَا كَتَبْتُ لَهُ فَأَمَاتَهُ اللَّهُ فَدَفَنُوهُ، فَأَصْبَحَ وَقَدْ لَفَظَتْهُ الْأَرْضُ، فَقَالُوا: هَذَا فِعْلُ مُحَمَّدٍ وَأَصْحَابِهِ لَمَّا هَرَبَ مِنْهُمْ، نَبَشُوا عَنْ صَاحِبِنَا فَأَلْقَوْهُ، فَحَقَرُوا لَهُ فَأَعْمَقُوا، فَأَصْبَحَ وَقَدْ لَفَظَتْهُ الْأَرْضُ، فَقَالُوا: هَذَا فِعْلُ مُحَمَّدٍ وَأَصْحَابِهِ، نَبَشُوا عَنْ صَاحِبِنَا لَمَّا هَرَبَ مِنْهُمْ فَأَلْقَوْهُ، فَحَقَرُوا لَهُ وَأَعْمَقُوا لَهُ فِي الْأَرْضِ مَا اسْتَطَاعُوا، فَأَصْبَحَ وَقَدْ لَفَظَتْهُ الْأَرْضُ، فَعَلِمُوا: أَنَّهُ لَيْسَ مِنَ النَّاسِ، فَأَلْقَوْهُ»<sup>۲</sup>، «حضرت انس رضی الله عنه روایت می کند که در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مردی نصرانی ایمان آورد و سوره های بقره و آل عمران را فراگرفت و آن ها را برای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می نوشت وی دوباره نصرانی شد و چنین می گفت: محمد چیزی نمی داند مگر آنچه را که من برای او نوشته ام. سپس خداوند متعال مرگ او را فرا رساند و او را دفن کردند، هنگام صبح زمین جسدش را بیرون انداخته بود. نصارا می گفتند: این کار محمد و یارانش است چون دینشان را رها کرده بود،

۱. فی ظلال القرآن: ۱/۷۷۸

۲. به روایت بخاری: کتاب المناقب، باب علامات النبوة فی الاسلام، حدیث شماره ۳۳۴۸

قبرش را نبش کرده و وی را بیرون کرده‌اند و دوباره برای او قبری حفر کردند و عمقش را زیاد کردند و صبحگاهان زمین دوباره جنازه وی را بیرون انداخته بود. دوباره گفتند: این کار محمد و یارانش هست که قبر وی را نبش کرده و جنازه‌اش را بیرون انداخته‌اند دوباره قبری حفر کردند و این بار تا جایی که توان داشتند آن را عمیق‌تر کردند و جنازه را در قبر گذاشتند و صبحگاهان دوباره زمین جنازه‌اش را بیرون انداخته بود در آخر دانستند این کار را مردم انجام نداده‌اند سپس خود نیز جنازه او را انداختند.»

در روایت امام احمد بن حنبل رحمته الله علیه آمده: «عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ: كَانَ مِنْ رَجُلٍ مِنْ بَنِي النَّجَارِ قَدْ قَرَأَ الْقُرْآنَ، وَآلِ عِمْرَانَ، وَكَانَ يَكْتُبُ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَأَنْطَلَقَ هَارِبًا حَتَّى لَحِقَ بِأَهْلِ الْكِتَابِ. قَالَ: فَرَفَعُوهُ، وَقَالُوا: هَذَا كَانَ يَكْتُبُ لِمُحَمَّدٍ، وَأَعْجِبُوا بِهِ، فَمَا لَيْتَ أَنْ قَصَمَ اللَّهُ عُنُقَهُ فِيهِمْ، فَحَقَرُوا لَهُ فَوَارُوهُ، فَأَصْبَحَتِ الْأَرْضُ قَدْ نَبَذَتْهُ عَلَيَّ وَجْهَهَا، ثُمَّ عَادُوا فَحَقَرُوا لَهُ فَوَارُوهُ، فَأَصْبَحَتِ الْأَرْضُ قَدْ نَبَذَتْهُ عَلَيَّ وَجْهَهَا، فَتَرَكُوهُ مُتَبَدِّئًا»<sup>۱</sup>، «انس بن مالک رضی الله عنہ می‌فرماید: در میان ما مردی از قبیله بنی نجار بود که سوره‌های بقره و آل عمران را فرا گرفته بود و کاتب پیامبر صلی الله علیه و آله بود سپس فرار کرد تا اینکه به اهل کتاب ملحق شد و اهل کتاب وی را شناختند و گفتند: این شخص کاتب پیامبر هست و با آمدن وی بسیار خوشحال شدند سپس در میانشان مدتی نماند که خداوند متعال گردش را شکست پس برای او قبری حفر و او را دفن کردند سپس زمین جنازه‌اش را بیرون انداخت آن‌ها دوباره برای او قبری حفر و دفنش کردند دوباره زمین جنازه‌اش را بیرون انداخت بار سوم نیز برگشتند و برایش قبری حفر و دفنش کردند بار سوم نیز زمین جنازه را بیرون انداخت سپس به همان حالت انداخته شده رهایش کردند.»

در روایت دیگری حضرت انس رضی الله عنہ فرمودند: «وَقَالَ أَنَسُ: فَحَدَّثَنِي أَبُو طَلْحَةَ: أَنَّهُ أَتَى الْأَرْضَ الَّتِي مَاتَ فِيهَا ذَلِكَ الرَّجُلُ، فَوَجَدَهُ مُتَبَدِّئًا، فَقَالَ أَبُو طَلْحَةَ: مَا شَأْنُ هَذَا الرَّجُلِ؟ قَالُوا: قَدْ دَفَنَاهُ مِرَارًا فَلَمْ تَقْبَلْهُ الْأَرْضُ»<sup>۲</sup>، «ابو طلحه برای من بیان کرد که خودش به آن سرزمینی که آن مرد در آن مرده بود

رفت و او را در حالی یافته که از قبر بیرون انداخته شده بود سپس ابو طلحه فرمود: حال این چیست؟ گفتند: چند مرتبه او را دفن کردیم زمین او را قبول نکرده است.»

این مجازات مرتد در حالت مرگ است اما مجازات روز قیامت را پیامبر ﷺ به صورت واضح برای ما چنین نقل می‌کند: «عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: تُحْشَرُونَ خُفَاءَ، غُرَاءَ، غُرْلًا، ثُمَّ قَرَأَ: {كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُعِيدُهُ وَعَدًّا عَلَيْنَا إِنَّا كُنَّا فَاعِلِينَ} [الأنبياء: ۱۰۴] فَأَوَّلُ مَنْ يُكْسَى إِبْرَاهِيمُ، ثُمَّ يُؤْخَذُ بِرِجَالِهِ مِنْ أَصْحَابِي ذَاتِ الْيَمِينِ وَذَاتِ الشَّمَالِ، فَأَقُولُ: أَصْحَابِي، فَيَقَالُ: إِنَّهُمْ لَمْ يَزَالُوا مُرْتَدِّينَ عَلَيَّ أَعْقَابِهِمْ مِنْذُ فَارَقْتَهُمْ، فَأَقُولُ كَمَا قَالَ الْعَبْدُ الصَّالِحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ: {وَكُنْتُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا مَا دُمْتُ فِيهِمْ، فَلَمَّا تَوَفَّيْتَنِي كُنْتُ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيْهِمْ، وَأَنْتَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ، إِنْ تُعَذِّبُهُمْ فَإِنَّهُمْ عِبَادَكَ، وَإِنْ تَغْفِرْ لَهُمْ فَإِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ} ۱، «ابن عباس رضی اللہ عنہما»

چنین روایت می‌کند که پیامبر ﷺ فرمود شما در حالت پابرهنه و عریان و ختنه نشده حشر می‌شوید سپس این آیه را تلاوت فرمودند: (همان‌گونه که خلقت اول را آغاز کردیم آن را بازمی‌گردانیم این وعده‌ی ماست همانا ما انجام دهنده‌ایم) سپس اولین نفری که لباس پوشیده می‌شود حضرت ابراهیم علیه السلام است سپس مردانی از طرف چپ و راست امت من گرفته می‌شوند و من می‌گویم: این‌ها یاران من هستند. در جواب به من گفته می‌شود آن‌ها از زمانی که تو از آن‌ها جدا شده‌ای مرتب به عقب برمی‌گشتند سپس من همانند بنده صالح، حضرت عیسی بن مریم علیه السلام چنین می‌گویم: (من بر آن‌ها گواه بودم تا زمانی که در میانشان بودم و وقتی مرا میراندی تو بر آن‌ها نگهبان بودی و تو بر هر چیز گواهی، اگر عذابشان دهی بندگان تو هستند و اگر آن‌ها را ببخشی پس تو غالب و با حکمت هستی.)» از قبیصه رضی اللہ عنہ روایت شده که چنین فرمود: این‌ها کسانی هستند که در زمان حضرت ابوبکر رضی اللہ عنہ مرتد شدند و حضرت ابوبکر رضی اللہ عنہ با آن‌ها جنگید.

در روایتی دیگر پیامبر ﷺ چنین می‌فرماید: «إِنِّي فَرَطُكُمْ عَلَى الْحَوْضِ، مَنْ مَرَّ عَلَيَّ شَرِبَ، وَمَنْ شَرِبَ لَمْ يَظْمَأْ أَبَدًا، لَيَرِدَنَّ عَلَيَّ أَقْوَامٌ أَعْرَفُهُمْ وَيَعْرِفُونِي، ثُمَّ يُحَالُ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ فَأَقُولُ إِنَّهُمْ مِنِّي، فَيَقَالُ: إِنَّكَ لَا تَدْرِي مَا أَلْخَذُوا بِعَدْكَ، فَأَقُولُ: سَحَقًا سَحَقًا لِمَنْ غَيْرِ بَعْدِي» ۲، «همانا من پیش قراول شما بر حوض هستم هر کس بر من عبور کند آب می‌نوشد و هر کس که نوشید دوباره برای همیشه تشنه

۱. به روایت بخاری: کتاب احادیث الانبياء، باب قول الله وأذكر في الكتاب مريم إذ أنذرت من أهلها مكانا شرقيا، حديث شماره ۳۱۹۱

۲. به روایت بخاری: کتاب تفسیر القرآن، باب وكنت عليهم شهيدا ما دمت فيهم فلما توفيتني كنت أنت الرقيب عليهم، حديث شماره ۴۲۵۹

نمی‌شود. البته بر من اقوامی وارد می‌شوند که من آن‌ها را می‌شناسم و آن‌ها مرا می‌شناسند سپس بین من و آن‌ها مانعی قرار داده می‌شود و من می‌گویم: آن‌ها از من هستند سپس گفته می‌شود تو نمی‌دانی که بعد از تو چه چیزهایی را ایجاد کردند سپس من می‌گویم دوری باد برای کسی که بعد از من خودش را تغییر داده.» ابن عباس رضی الله عنه می‌فرماید: **«سُحِقًا»** به معنای دوری است. همان‌گونه که گفته می‌شود **«سَحِيقٌ»** دور است **«سَحَقَهُ وَأَسْحَقَهُ»** یعنی او را دور کرد. **«يَرِدُ عَلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ رَهْطٌ مِنْ أَصْحَابِي، فَيَحْلَتُونَ عَنِ الْحَوْضِ، فَأَقُولُ: يَا رَبِّ أَصْحَابِي، فَيَقُولُ: إِنَّكَ لَا عِلْمَ لَكَ بِمَا أَخَذْتُوا بَعْدَكَ، إِنَّهُمْ ارْتَدُّوا عَلَى أَدْبَارِهِمُ الْقَهْقَرَى»**<sup>۱</sup> ، «از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه و آله چنین فرموده: در روز قیامت گروهی از یاران من بر من وارد می‌شوند و از ورودشان به حوض جلوگیری می‌شود من می‌گویم: پروردگارا این‌ها یاران من هستند! خداوند در پاسخ می‌فرماید: تو اطلاع نداری که آنان پس از تو چه چیزهایی ایجاد کردند آن‌ها به عقب بازگشتند و عقب‌گرد نمودند.»

کفری که قبل از ایمان باشد، باایمان آوردن نابود می‌شود و مورد بخشش قرار می‌گیرد همانند کسی که غرق تاریکی‌هاست و نور را مشاهده نکرده معذور است؛ اما کفر بعد از ایمان جرم سنگینی است که قابل بخشش و عذر نیست زیرا کفر مانند پرده‌ایست که چون این پرده بیفتد انسان به فطرت خود می‌رسد و گمشده به کاروان ملحق می‌شود و گیاهان تشنه به آب می‌رسند و روح انسان این شیرینی فراموش‌نشده را می‌چشد پس کسانی که بعد از ایمان مرتد می‌شوند باوجود شناخت بر فطرت افترا می‌بندند و عمداً در کفر داخل می‌شوند و با اختیار خود در بیابان گمراهی و سردرگمی قدم برمی‌دارند پس عدالت در حقش‌ان‌همین است که خداوند آن‌ها را مورد آموزش قرار ندهد و آن‌ها را به راه راست هدایت نکند چراکه آنان بعد از شناختن و پیمودن راه حق، آن را ضایع کردند و آنان بعد از هدایت شدن به سوی خوبی و روشنی، بدی و کوری را انتخاب کردند.<sup>۲</sup>

۴- بیان حالتی از حالت‌های ارتداد از دین همراه با سرکشی علیه نظام، با کشتن و نابود کردن و

فساد در زمین.

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿ إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خَلْفٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ جِزَاءٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ

عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴾ ، [مائده ۳۳]. «کیفر کسانی که ( بر حکومت اسلامی می‌شورند و بر احکام شریعت می‌تازند و بدین‌وسیله) با خدا و پیغمبرش می‌جنگند، و در روی زمین ( با تهدید امنیت مردم و سلب حقوق انسان‌ها، مثلاً از راه راهزنی و غارت کاروانها) دست به فساد می‌زنند، این است که ( در برابر کشتن مردم) کشته شوند، یا ( در برابر کشتن مردم و غصب اموال) به دار زده شوند، یا ( در برابر راهزنی و غصب اموال، تنها) دست و پای آنان در جهت عکس یکدیگر بریده شود، و یا این که ( در برابر قطع طریق و تهدید، تنها) از جایی به جایی تبعید گردند و یا زندانی شوند. این رسوائی آنان در دنیا است، و برای ایشان در آخرت مجازات بزرگی است.» ابن حجر رحمته الله علیه می‌فرماید: ابن بطال گفته: نظر امام بخاری رحمته الله علیه این است که آیه محاربه در مورد اهل کفر و ارتداد نازل شده است.<sup>۱</sup> و در این رابطه امام بخاری این‌گونه باب‌گذاری نموده، باب

﴿ إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا ﴾ منظور از محاربه با خدا کفر به خداست.<sup>۲</sup> همچنین عنوان باب را این‌گونه نام‌گذاری کرده است، «باب المحاربين من اهل الكفر و الردة» و این آیه کریمه را ذکر فرموده: ﴿ إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا ﴾<sup>۳</sup>، امام بخاری رحمته الله علیه در اکثر ابواب کتاب الحرابه، محارب را با مرتد یکجا ذکر فرموده و گمان می‌کنم که انگیزه این کار بیان شأن نزول آیه باشد. چراکه این آیه در مورد قومی نازل شد که به مدینه آمدند و اسلام آوردند و پیامبر صلی الله علیه و آله از آن‌ها درخواست کرد تا بمانند. آن‌ها مرتد شدند و ساربانان را کشتند و شتران را به سرقت بردند و فرار کردند و امام بخاری رحمته الله علیه این حدیث را در جاهای متعددی از کتاب صحیح خود ذکر فرموده است.



در گفتگویی که در حضور علما میان ابوقلابه و عمر بن عبدالعزیز رضی الله عنهما رخ داد ابوقلابه چنین فرمود: «قَالَ اللَّهُ مَا قَتَلَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَحَدًا قَطُّ إِلَّا فِي إِحْدَى ثَلَاثِ خِصَالٍ: رَجُلٌ قَتَلَ بِجَرِيرَةٍ نَفْسَهُ فُقِتِلَ، أَوْ رَجُلٌ زَنَى بَعْدَ إِحْصَانٍ، أَوْ رَجُلٌ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ، وَارْتَدَّ عَنِ الْإِسْلَامِ. فَقَالَ الْقَوْمُ: أَوْلَيْسَ قَدْ حَدَّثَ أَنَسُ بْنُ مَالِكٍ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَطَعَ فِي السَّرَقِ، وَسَمَرَ الْأَعْيُنَ، ثُمَّ تَبَذَهُمْ فِي الشَّمْسِ؟ قُلْتُ: أَنَا أُحَدِّثُكُمْ حَدِيثَ أَنَسٍ: حَدَّثَنِي أَنَسُ: أَنَّ نَفْرًا مِنْ عُكْلٍ ثُمَائِيَّةٍ، قَدِمُوا عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَبَايَعُوهُ عَلَى الْإِسْلَامِ، فَاسْتَوْحَمُوا الْأَرْضَ فَسَمَّيْتُ أَجْسَامَهُمْ، فَشَكَّوْا ذَلِكَ إِلَيَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، قَالَ: «أَفَلَا تَخْرُجُونَ مَعَ رَاعِيْنَا فِي إِبِلِهِ، فَتَصِيبُونَ مِنْ أَلْبَانِهَا وَأَبْوَالِهَا» قَالُوا: بَلَى، فَخَرَجُوا فَشَرِبُوا مِنْ أَلْبَانِهَا وَأَبْوَالِهَا، فَصَحُّوا، فَقَتَلُوا رَاعِيَّ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَأَطْرَدُوا النَّعَمَ، فَبَلَغَ ذَلِكَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَأَرْسَلَ فِي آثَارِهِمْ فَأَذْرَكُوا فَجِيءَ بِهِمْ، فَأَمَرَ بِهِمْ فَقَطَعَتْ أَيْدِيَهُمْ وَأَرْجُلَهُمْ وَسَمَرَ أَعْيُنَهُمْ، ثُمَّ تَبَذَهُمْ فِي الشَّمْسِ حَتَّى مَاتُوا، قُلْتُ: وَأَيُّ شَيْءٍ أَشَدُّ مِمَّا صَنَعَ هَؤُلَاءِ، ارْتَدُّوا عَنِ الْإِسْلَامِ، وَقَتَلُوا وَسَرَقُوا»، «به خدا قسم که رسول الله صلی الله علیه و آله احدی را هیچ زمانی نکشت مگر در موردی از این سه مورد: مردی که با جرم خودش شخصی را کشته باشد پس خودش نیز کشته می‌شود، یا مردی که بعد از احصان مرتکب زنا شود، یا مردی که با خدا و رسولش بجنگد و از اسلام برگردد. سپس قوم گفتند: آیا این‌گونه نیست که حضرت انس بن مالک رضی الله عنه بیان می‌کند که پیامبر صلی الله علیه و آله به جرم سرقت دست‌وپاها را قطع کرد و بر چشم‌ها میخ‌های داغ را مانند سرمه فروکرد و سپس آن‌ها را در آفتاب رها کرد؟ من گفتم: من حدیث حضرت انس رضی الله عنه را برای شما بیان می‌کنم. حضرت انس رضی الله عنه برایم چنین حدیث بیان کرد که گروهی هشت نفره از قبیله عکل نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمدند پس با او بر اسلام بیعت کردند سپس آب و هوای مدینه با آن‌ها سازگار نیفتاد و اجسامشان دچار مرض شد و از حالت بیماریشان نزد پیامبر صلی الله علیه و آله شکایت کردند و پیامبر صلی الله علیه و آله به آن‌ها فرمود: آیا همراه ساربان ما با گله شتران بیرون نمی‌روید و از شیر و ادراغ آن‌ها نمی‌نوشید؟ آن‌ها گفتند: چرا. سپس همراه ساربان خارج شدند و از شیر و ادراغ شتران نوشیدند و از بیماری سالم و تندرست شدند. سپس ساربان پیامبر صلی الله علیه و آله را کشتند و شتران را به سرقت بردند و این خبر به رسول الله صلی الله علیه و آله رسید و پیامبر صلی الله علیه و آله در تعقیبشان فرستاد و دستگیر شدند و نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آورده شدند سپس دستور داد دست و پای‌شان قطع و در چشمانشان میخ‌های داغ همانند سرمه فرو شد

سیس در گرمای آفتاب رها شدند تا اینکه مردند. گفتم: چه جنایتی سنگین تر از کار این‌ها وجود دارد که از اسلام برگشتند و ساربان را کشتند و شتران بیت‌المال را به سرقت بردند.»  
علامه قرطبی رحمته الله علیه تحت تفسیر این آیه به نقل از طبری رحمته الله علیه می‌فرماید: این کار مرتدان به سال ششم هجری اتفاق افتاد. قرطبی می‌گوید در مورد اینکه چه کسی محارب محسوب می‌شود از علما نظریات گوناگونی نقل شده است. امام مالک رحمته الله علیه و شافعی رحمته الله علیه و ابو ثور و اصحاب رأی می‌گویند: این آیه در مورد هرکسی که راهزنی مسلمانان را کند نازل شده.<sup>۱</sup> طبری رحمته الله علیه نیز نظریه امام مالک و شافعی را تأیید می‌کند ولی ابن کثیر رحمته الله علیه می‌گوید: این آیه به صورت عمومی در مورد مشرکین و کسان دیگری که این اعمال را انجام دهند دلالت می‌کند.<sup>۲</sup>

همچنین امام شوکانی رحمته الله علیه می‌فرماید: نظریه برحق همین است که این آیه به صورت عمومی مشرکین و کسان دیگری که چنین اعمالی را انجام دهند شامل می‌شود و سبب نزول خاص اعتباری ندارد بلکه عمومیت لفظ دارای اعتبار است.<sup>۳</sup> با وجود اختلاف نظرها، هیچ‌کس برای اجرای حکم بر محارب، ارتداد را شرط قرار نداده، بلکه مجازات محارب از بقیه مجازات‌ها مثل قتل و زنا و دزدی جدا هست.

امام شوکانی رحمته الله علیه می‌فرماید: پس بدان هر کس که از وی چنین عملی سرزند مصداق این آیه قرار می‌گیرد فرق نمی‌کند مسلمان باشد یا کافر، شهرنشین باشد یا روستایی، چیز کمی باشد یا زیاد، بزرگ باشد یا کوچک، حکم خدا همان است که در آیه ذکر شده که باید کشته شود یا به دار آویخته شود یا دست‌وپایش قطع شود یا از آن سرزمین تبعید شود. ولی این حکم برای کسی که گناهی غیر از این گناه انجام داد اجرا نمی‌شود بلکه این حکم کسی است که گناهِش تجاوز به خون‌ها و اموال مردم باشد و این حکم برای گناهی که در رابطه با آن‌ها در کتاب خدا و سنت رسول الله صلی الله علیه و آله احکام جداگانه‌ای مشخص شده، اجرا نمی‌شود مانند دزدی و آنچه قصاص را واجب می‌کند. چون ما

۱. الجامع لاحکام القرآن: ۱۴۹/۶

۲. تفسیر القرآن العظیم: ۴۹/۲

۳. فتح القدیر الجامع بین فنی الروایة و الدرابة من علم التفسیر: ۲۴/۲

می‌دانیم که در زمان پیامبر ﷺ از افرادی گناهان دیگری غیر از این گناه سر می‌زد ولی پیامبر ﷺ این حکم را که مجاهد در تفسیر آیه محاربه ذکر کرده که گناه آنان زنا و سرقت بوده ضعیف به نظر می‌رسد چون برای این دو گناه، در کتاب خدا و سنت رسول الله ﷺ احکامی جدا و غیر از این حکم وارد شده است.<sup>۱</sup>

قرطبی رحمته می‌گوید: مرتد تنها با ارتدادش مستحق کشتن می‌شود، بدون اینکه محارب باشد، نه تبعید می‌شود و نه دست‌وپایش قطع می‌شود و به دار نیز آویخته نمی‌شود با این وجود آیه، مرتد را شامل نمی‌شود.<sup>۲</sup> نزد فقها نیز برای اجرای این حکم شرط ارتداد را نیافتیم بلکه ارتداد حکم جداگانه‌ای دارد که در آینده بیان می‌کنیم.

## ۵- بیان حالتی از حالات ارتداد و برگشت از دین با زبان و یا انجام کاری همراه با نظاهر به ایمان و

### بیان حکم این حالت و روش‌های تعامل با چنین کسانی در جامعه اسلامی.

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿ وَمِنَ الَّذِينَ مَنَؤُا بِاللَّهِ فَإِذَا أُذِنَ فِي اللَّهِ جَعَلَ فِتْنَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا ۗ إِنَّ اللَّهَ وَلِيَّ نَصْرٍ مِّن رَّبِّكَ لَيَقُولُنَّ إِنَّا كُنَّا مَعَكُمْ أَوْلَىٰ ۗ أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِمَا فِي صُدُورِ الْعَالَمِينَ ﴿۱۱﴾ وَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْمُنَافِقِينَ ﴾ ،

[عنکبوت ۱۱-۱۰]، «در میان مردم کسانی هستند که می‌گویند ایمان آورده‌ایم ( و از زمره مؤمنانیم)، اما هنگامی که به خاطر خدا مورد اذیت و آزار قرار گرفتند، (به ناله و فریاد می‌آیند و چه بسا از دین برگردند . انکار ایشان) شکنجه مردمان را ( در دنیا) همسان عذاب خدا ( در آخرت) می‌شمارند، و هنگامی که پیروزی از سوی پروردگارت نصیب ( شما مؤمنان) گردد، خواهند گفت : ما که با شما بوده‌ایم ( و ایمانی چون ایمان شما داشته‌ایم و باید از غنایم پیروزی‌تان بر دشمنان به‌رمای داشته باشیم) . آیا خداوند آگاه‌تر ( از هر کسی، به ایمان و نفاق و) به آنچه در سینه‌های جهانیان است نمی‌باشد؟ خداوند مسلماً مؤمنان را می‌شناسد، و قطعاً منافقان را هم می‌شناسد.» و همچنین می‌فرماید: ﴿ وَإِذَا لَعُؤَا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَوْا بِك سَبَّحُوا بِحَمْدِ اللَّهِ كَمَا سَبَّحُوا مِن قَبْلُ ۚ وَأَمَّا كَلِمَاتُ الَّذِينَ آمَنُوا فَلَوْ أَنَّمَا كُنَّ

۱. فتح القدیر: ۳۵/۲

۲. الجامع لاحکام القرآن: ۱۵۰/۶